

فرهنگ، حلقه گمشده در احیاء امنیت فضاهای شهری

(مورد مطالعه: بافت فرسوده فرزانه بیرجند)¹سیده پریسا سروریان²، مرتضی طلاچیان³

تاریخ دریافت: 1398/01/20

تاریخ پذیرش: 1398/03/18

از صفحه 1 تا 26

پژوهشنامه جغرافیای انسانی

سال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان 1398

چکیده

احیاء بافت‌های فرسوده شهری از چالش‌برانگیزترین معضلات شهرها به شمار می‌رود و باز زنده‌سازی فضاهای شهری به‌مثابه یکی از محرک‌های توسعه است. برگرداندن این فضاها به چرخه زندگی شهری از طریق ایجاد امنیت برای شهروندان به وقوع می‌پیوندد، اما بسترسازی عناصر شکل دهنده فضای شهری در ایجاد امنیت بدون در نظر گرفتن عناصر فرهنگی بافت‌های شهری غیرممکن است. در این پژوهش سعی شده است که نقش فرهنگ در ساختار امنیت فضای شهری تبیین شود. برای این منظور بعد از مطالعات کتابخانه‌ای و مرور مبانی نظری و با تأکید بر روش‌های کمی-کیفی از طریق جمع‌آوری اطلاعات به شیوه پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده میدانی به بررسی نقش فرهنگ در احیاء فضاهای شهری فرسوده شهر بیرجند پرداخته شده است. نتایج پژوهش در جامعه آماری بافت فرسوده شهر بیرجند با حجم نمونه (340) نفری، طبق فرمول کوکران مشخص و بررسی شد. در این راستا پس از انتخاب شاخص‌ها از مطالعات نظری (34 شاخص)، تدوین پرسشنامه و مصاحبه با ساکنان و کارشناسان، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار EXPERT CHOICE در قالب مدل AHP به تحلیل گذاشته شد. همچنین پرسشنامه دوم بر اساس طیف لیکرت طراحی شده و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، روایی و پایایی آن مورد ارزیابی قرار گرفت و با نرم‌افزار SPSS و آزمون T و در تأیید پرسشنامه اول بررسی شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بی‌تردید فرهنگ، مهم‌ترین رکن در فضای شهری و رابطه متقابل فضا و کاربران در محدوده شهری به شمار می‌رود و رویکرد فرهنگی راه‌حل احیاء امنیت در فضاهای فرسوده شهری است.

کلید واژه‌ها: امنیت، فضای شهری، فرهنگ، بافت فرسوده.

1- این پژوهش از رساله دکتری سیده پریسا سروریان با عنوان «تبیین نقش امنیت در باز زنده‌سازی فضاهای شهری کویری نمونه موردی بافت فرسوده فرزانه شهر بیرجند» استخراج شده است.

2- دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

3- استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، talatchian@yahoo.fr.

بیان مسئله

فرسودگی فضاهای شهری، باوجود معضلات مختلف در زمینه زیست‌محیطی، اقتصادی، کالبدی و تأسیسات شهری، اجتماعی، فرهنگی و آسیب‌پذیری در برابری حوادث طبیعی که در اثر بی‌توجهی به آن‌ها در طول زمان پدید آمده‌اند، یکی از مشکلات پیش روی مدیریت شهری است و هزینه‌های مالی، جانی و کالبدی فراوانی را برای شهر ایجاد می‌کند. نبود امنیت در این‌گونه بافت‌ها معضلات آن‌ها را تشدید می‌کند و منجر به خروج ساکنان اصلی آن، تداوم فرسودگی و انتقال این فرسودگی به بافت‌های مجاور می‌شود. با توجه به اینکه ریشه فرسودگی در نبود امنیت در بافت‌های فرسوده است؛ تأمین امنیت در فضاهای شهری راه‌حل خروج بافت‌های فرسوده از چرخه فرسودگی است؛ اما از طرفی برای برقراری امنیت در فضای شهری در هر سه بُعد آن (کالبد، فعالیت و استفاده‌کننده از فضا) باید امنیت وجود داشته باشد و برای این منظور باید مؤلفه‌های امنیت در ترکیبی از مؤلفه‌های فرهنگی تحلیل شود؛ زیرا انسان به‌عنوان استفاده‌کننده از فضا، خالق کالبد فضا، پدیدآورنده فعالیت‌های موجود در فضا و فاعل این فعالیت‌ها، در بستری از فرهنگ متولدشده، رشد یافته، محیط اطراف را درک کرده و تمایلات و خواسته‌های او در بستری از فرهنگ شکل می‌گیرد.

موضوع امنیت اولین بار در سال (1916) در مکتب شیکاگو و در مطالعات اکولوژی شهری توسط «رابرت پارک»، رفتارهای انسانی در شهر مورد مطالعه قرار داد و در مورد زمینه‌های جرم و امنیت در شهر مطالعاتی صورت گرفت و در ادامه این تحقیقات و هم‌زمان با ارائه نظریه سلامت روان با بررسی تأثیر محیط شهر بر رفتار انسان، «جین جیکوبز»¹ وحشی‌گری در خیابان را مورد مطالعه قرارداد و شرط یک خیابان امن را حضور مردم در آن و نظارت ساکنان بر فضا مطرح می‌کند. در سال (1971)، «ری جفری» پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را مدنظر قرارداد که پایه نظریه CPTED قرار گرفت و در طول زمان توسط هیلیر، آنجل، وود، نیومن و برخی اندیشمندان دیگر مطالعه و کامل شد و به‌صورت بخشی، هر یک نظریه‌ای برای ایجاد یک فضای امن ارائه دادند (صالحی، 1387: 129-140)؛ اما آنچه مورد غفلت واقع شد

بررسی نقش فرهنگ در ایجاد فضای امن به صورت همه‌جانبه و ارائه اصول فرهنگی و جایگاه آن در اصول امنیتی بود.

این پژوهش با تدقیق اصول امنیت در فضای شهری و بررسی جایگاه و نحوه اعمال آن در طراحی‌ها و مطالعات فضاهای شهری فرسوده، سعی در ارائه راهکاری برای احیاء امنیت به‌عنوان راه‌حل باز زنده‌سازی فضاهای شهری فرسوده با تأکید بر فرهنگ مردم ساکن (بررسی هنجارها، نمادها، ارزش‌ها و ...) با رویکرد ارتقاء وضعیت کالبدی و اجتماعی بافت‌های فرسوده با تأکید بر تثبیت ساکنان موجود و جذب جمعیت از بافت‌های دیگر و برگرداندن زندگی به بافت‌های فرسوده پرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

ادوارد تایلور فرهنگ را، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه خویش فرا می‌گیرد، تعریف می‌کند (کوزر و روزنبرگ، 1393: 44). آنچه از مجموع اسناد «یونسکو» برمی‌آید فرهنگ عنصر هویت‌ساز جوامع و مظهر حیات عقلانی آن‌هاست و کلیتی است که از ترکیب خصوصیات و نمادهای به وجود آمده در هر جامعه همچون شیوه‌های بیانی ارزش‌ها، سنت‌ها و باورهای آن جامعه پدید می‌آید. در مقدمه «اعلامیه مکزیکوسیتی درباره سیاست‌های فرهنگی» آمده است: «در وسیع‌ترین برداشت، می‌توان گفت که فرهنگ کلیتی است ترکیب یافته از خصوصیات متفاوت روحی، مادی، فکری و احساسی که شاخصه یک جامعه یا گروه است. فرهنگ نه‌فقط هنرها و نوشتارها، بلکه حالات زندگی، حقوق بنیادین انسان، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را در بر می‌گیرد. این فرهنگ است که به انسان امکان واکنش نشان دادن در مقابل خود را می‌دهد» (همایون و جعفری هفتخوانی، 1387: 8).

فرهنگ، رفتارهای انسانی را در رابطه با محیط اطراف او شکل می‌دهد و سرانجام نیز در تغییر و یا ایجاد محیط‌ها تأثیرگذار است و از طرفی محیطی که از رفتار و فرهنگ تأثیر پذیرفته است، مروج فرهنگ سازنده خود بوده و حضور افرادی با فرهنگ مشابه را ترغیب می‌کند. طبق تعاریف مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ، موارد زیر می‌باشند:

• هنجارها؛

• ارزش‌ها؛

• عقاید و باورها؛

• صنایع فرهنگی و هنری (رجب‌زاده، 1377: 41).

امنیت نیز که واژه‌ای عربی است از ریشه امن و به معنی راحت و آسوده و بی‌ترس بودن است (کامران و برآبادی، 1389: 25). واژه انگلیسی آن معادل «security» به معنای حالت فراغت از هرگونه تهدید و حمله را می‌گویند (آشوری، 1394: 38) که موضوعاتی مانند رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، نگرانی هراس و اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین بودن و ضمانت را در بر می‌گیرد (لطفی و همکاران، 1393: 40). «آبراهام مازلو» در هرم سلسله‌مراتب نیازها، اولین نیاز انسان را نیازهای فیزیولوژی از قبیل گرسنگی، تشنگی و امثال آن قرار داده و پس‌از آن، یعنی در دومین سطح از این سلسله‌مراتب، نیازهای ایمنی شامل احساس امنیت کردن و دور از خطر بودن را قرار داده است (نویدنیا، 1382: 45).

اندیشمندان شهری در بررسی علل پیدایش شهر و اینکه چرا اجتماعات بشری در محیطی همچون شهر، گرد هم آمده‌اند، نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند که یکی از این مسائل، امنیت و ابعاد ایمنی را در پیدایش شهرها مؤثر می‌داند (ادیبی سعدی‌نژاد و عظیمی، 1390: 82). نظریه «الیزابت وود» پیشنهاد می‌کند که برای افزایش کارایی، بایستی تسهیلات عمومی به نحوی طراحی شوند تا تعامل بین ساکنان بهبود پیدا کند؛ برای مثال زمین‌های بازی کودکان به نحوی ساخته شوند تا از طرف ساکنان کاملاً قابل مشاهده باشند (صالحی، 1387: 135). «ویلسون و کلینگ»¹ در نظریه پنجره شکسته، سه فرضیه در مورد انگیزه ترس عمومی مطرح می‌کنند: ترس از قربانی جرم شدن، ترس از افراد مزاحم و ترس از بی‌نظمی و بی‌توجهی به یک محیط فیزیکی (ویلسون و کلینگ، 1982: 137). نظریه چیدمان فضا با نگاهی ریخت‌شناسانه به شهر، به بررسی روابط بین فضاها می‌پردازد. در این نظریه بحث می‌شود که چگونه شکل فضایی شهر، روابط را

1- Wilson and Kelling

از طریق جریان حرکت (به‌خصوص پیاده) تعیین می‌کند و بر الگوی کاربری زمین و تراکم شهری اثر می‌گذارد (هیلیئر¹ و همکاران، 1993: 29). «نسر» عامل دید و چشم‌انداز را به‌منظور راهکاری برای کاهش جرم مطرح می‌کند و معتقد است دید گسترده این امکان را به فرد می‌دهد که بتواند محیط پیرامون خود را بهتر درک کرده و در هنگام وقوع جرم سریع‌تر تصمیم‌گیری کند. بر اساس ایده «کلارک» سیستم حقوقی و مدیریتی در کنار طراحی فضا نیز در پیشگیری از جرم تأثیر دارد. «آنجل» همواره بر اهمیت محیط کالبدی برای پیشگیری از جرم به‌وسیله مشخص کردن حدود مالکیت و افزایش دسترسی به محل تأکید داشت

(رابینسون²، 1996: 430-435). «جین جیکوبز» در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند توجه نموده و بر فعال بودن فضا به‌عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید و ایجاد حرکت، استفاده‌های فعال از سطح خیابان و فعالیت‌های خیابانی و مراقبت‌های طبیعی از این فعالیت‌ها را به‌عنوان مؤلفه‌هایی در جهت ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می‌کند (جیکوبز، 1961: 31-40). «نیومن» سه فاکتور افزایش جرم را برای محله‌های مسکونی این‌چنین دسته‌بندی می‌کند: بیگانگی به‌طوری‌که مردم همسایه‌های خود را نمی‌شناسند؛ نبود نظارت مردم بر مکان‌ها و عدم دسترسی به راه فرار (نیومن، 1987: 25). نظریه CPTED (پیشگیری از جرم به‌وسیله طراحی محیطی) در ابتدا به‌وسیله «سی. ری. جفری» ابداع و تنظیم شده است. این رویکرد، در طراحی و برنامه‌ریزی محیط و منظر شهری در تلاش است تا با رعایت استانداردهای ویژه‌ای در ساخت و سیمای محیط کالبدی، به ارتقاء ایمنی در شهر و از آن راه، به احساس امنیت ساکنان آن کمک کند (کوزنز³، 2008: 330-335). «وکرل و وایتزمن»⁴ دو محقق کانادایی برای افزایش ایمنی و امنیت در فضای شهری سه عامل را بیان می‌کنند: آگاهی از محیط، قابلیت مشاهده توسط دیگران و دسترسی سهل به کمک در صورت نیاز (وکرل و وایتزمن، 1995: 97).

1- Hillier

2- Robinson

3- Cozens

4- Wekerle and Whitzman

عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش‌های شهرها هستند که بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در بر می‌گیرد (تیبالدز، 1387: 54). برخی نظریه‌ها، فضای شهری را فرآیندی اجتماعی- مکانی می‌دانند که تمام ساختمان‌ها، اشیاء، فضاها، محیطی و شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آن‌ها را در بر می‌گیرد (نقی‌زاده، 1386: 176). فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و مصنوع، فضای اجتماعی «تداعی فضایی نهادهای اجتماعی» است که مورد مطالعه جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان است (مدنی‌پور، 1384: 15). فضای شهری مهم‌ترین مکان برای نمایش دادن و اهمیت بخشیدن به رویدادها و واقعه‌های اجتماعی است (کالن، 1382: 10). با توجه به تعاریف بالا برای یک فضای شهری سه بعدی می‌توان تعریف کرد ابعاد کالبدی، اجتماعی و عملکردی؛ آنکه به گونه‌ای دیگر در نظریه کانتر تعریف می‌شود. کانتر برای هر مکان سه مؤلف می‌شناسد: ویژگی‌های فیزیکی، تصورات و فعالیت‌ها.

در کشور ایران به استناد مصوبه جلسه مورخ 1384/11/16 شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص بافت‌های فرسوده شهری، بافت فرسوده شهری به شرح زیر تعریف می‌شود: بافت فرسوده شهری به عرصه‌هایی از محدوده قانونی شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری مناسب از دسترسی سواره، خدمات و زیرساخت‌های شهری، آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند. این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنان و مالکین آن‌ها امکان نوسازی خود به خودی را نداشته و نیز سرمایه‌گذاران انگیزه‌ای جهت سرمایه‌گذاری در آن را ندارند. علاوه بر سه عامل (ریزدانگی، نفوذناپذیری، ناپایداری) که بیشتر عوامل کالبدی است، تراکم بالای جمعیتی و ساختمانی در این بافت‌ها و یا سکونت‌گاه‌های شهری، شرایط نامطلوب اقتصادی، درآمد کم، بیکاری و فقر نسبی، شرایط نامساعد اجتماعی، عدم برخورداری از خدمات شهری و امنیت ناکافی و همچنین شرایط نامناسب سکونتی و زیست‌محیطی نیز مشهود است (ماجدی و همکاران، 1390: 265).

روش پژوهش

در پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و کمی و کیفی در کنار تحلیل مقایسه‌ای، نقش فرهنگ در احیاء امنیت فضاهای شهری فرسوده با تأکید بر محله فرزانه بافت فرسوده شهر بیرجند مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور دستیابی به هدف نهایی این پژوهش، از شیوه مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های عمیق، تدوین پرسشنامه و مشاهده‌های میدانی استفاده شده است. پس از شناسایی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر در احیاء امنیت در بافت فرسوده، ابتدا از طریق فرمول کوکران تعداد پرسشنامه‌ها مشخص (340 عدد) و سپس دو پرسشنامه تدوین شد. یکی در راستای تعیین ضریب اهمیت شاخص‌ها که توسط مدل AHP در نرم‌افزار EXPERT CHOICE تحلیل شد و دیگری برای سنجش میزان اعمال این شاخص‌ها طی فرآیندهای نوسازی محله فرزانه در شهر بیرجند که با توجه به طیف لیکرت طراحی شده و از طریق ضریب آلفای کرونباخ روایی و پایایی آن بررسی و در نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

• قلمرو پژوهش

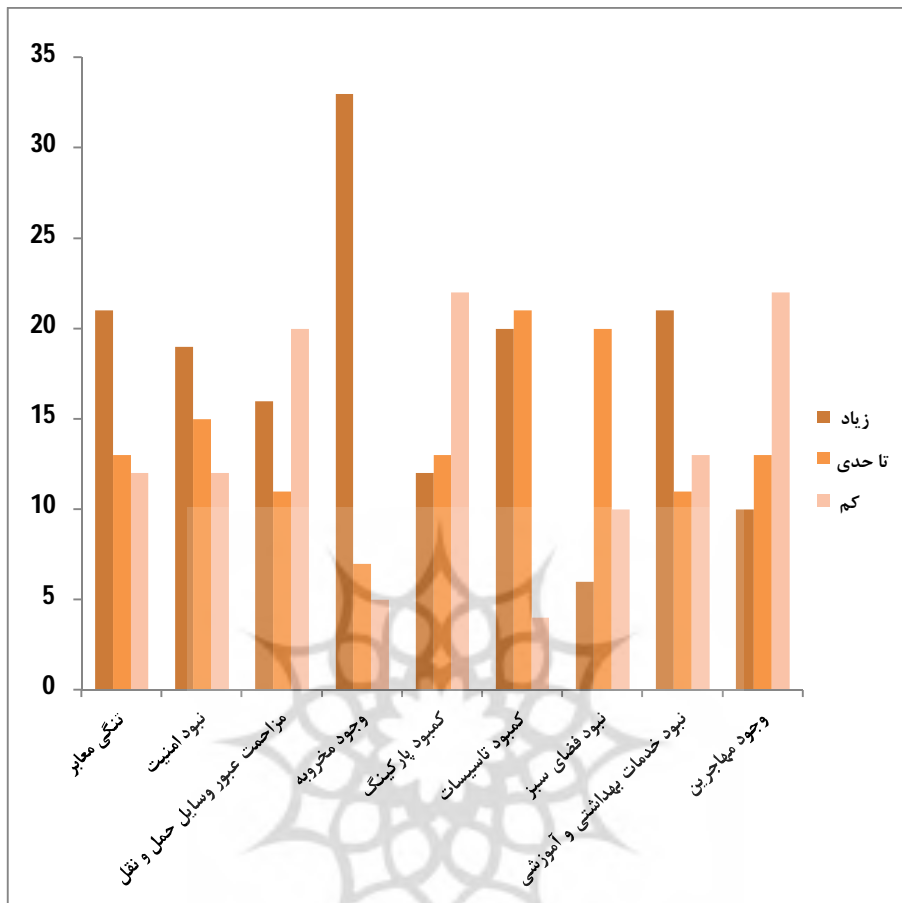
بیرجند قصبه‌ای از قهستان (منطقه‌ای کوهستانی) در جنوب خراسان است که از شمال به تربت‌حیدریه و از شرق هرات و افغانستان، از جنوب شرقی به سیستان و بلوچستان، از جنوب غربی به کویر لوت و از غرب به طبس محدود شده است و در عهد خلافت عباسیان زیر سیطره آنان بود (رضایی، 1381: 126). هسته‌های اصلی اولیه شکل‌گیری شهر بیرجند شامل سه محدوده سرده، ته‌ده و میان‌ده است؛ که در جنوب رودخانه قدیمی شهر، خیابان جمهوری کنونی واقع شده است. شهر بیرجند در حال حاضر مرکز استان خراسان جنوبی و مرکز شهرستان بیرجند در شرق ایران است. این شهر طبق سرشماری سال (1395) دارای (259998) نفر جمعیت بوده که در مساحتی بالغ بر (42/7) کیلومتر مربع قرار گرفته‌اند.

محله فرزانه یکی از هسته‌های اصلی شکل‌گیری شهر بیرجند و محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر می‌باشد. محله مذکور قسمتی از محله خیرآباد است که در سال‌های اخیر به علت وجود مدرسه فرزانه به محله فرزانه تغییر نام داده شد. این محله در شمال شهر بیرجند و در جنوب کال کبوترخان واقع شده است (شکل شماره 1). مرز محله مورد

نظر از جنوب به خیابان جمهوری اسلامی، از شمال به کال کبوترخان، از شرق به یکی از خیابان‌های فرعی جمهوری (جمهوری 27) و از غرب به مدرسه فرزانه و فضای سبز موجود در کنار آن منتهی می‌شود. این محله یکی از محله‌های تاریخی و البته فرسوده شهر بیرجند می‌باشد و در عین داشتن آثار تاریخی متعدد و جذاب و تاریخچه ارزشمند خود، از وجود بافت بسیار فرسوده در دل خود رنج می‌برد. ناامنی در محله، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات نقل شده توسط مردم بوده که زندگی را برای آنان و خانواده‌هایشان دشوار کرده است. طبق پژوهش‌ها و بررسی‌های انجام شده در سال (1390)، (3) سال بعد از تصویب طرح اول در مصاحبه‌ای با ساکنان مشخص شد که در اولویت مشکلات ساکنان، به صورت واضح نبود امنیت وجود مخروبه‌ها مطرح شده است (شکل شماره 2).



شکل شماره (1). مرز محله فرزانه. پژوهش‌های جغرافیایی و برنامه‌ریزی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل شماره (2). کیفیت کالبدی محدوده، از نظر ساکنان.

یافته‌های پژوهش

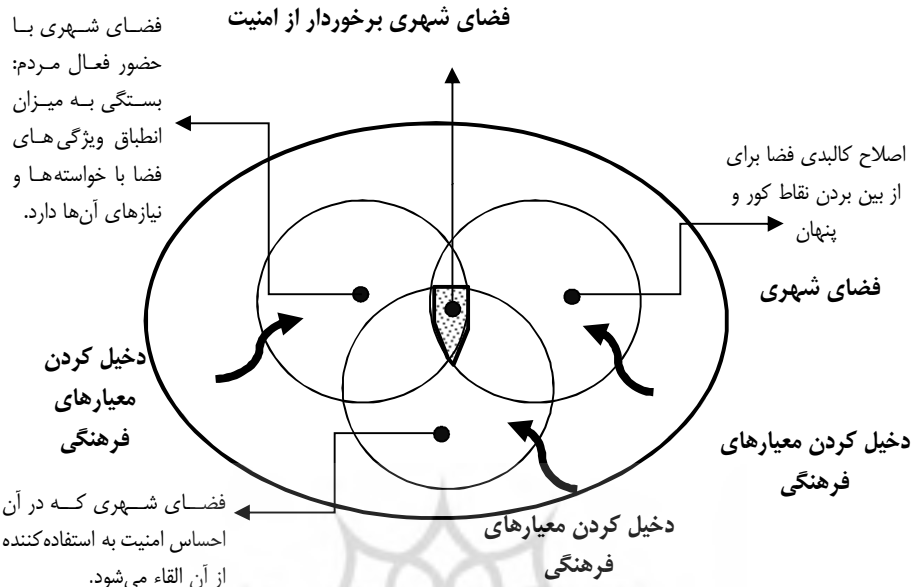
با بررسی نظریه‌ها مشخص می‌شود که اندیشمندان شهری، در راستای برقراری امنیت به مؤلفه‌های فرهنگی به صورت بخشی و موردی در برخی موارد توجه کرده‌اند و به نحوی کلی از آن سخن به میان آورده‌اند. در جدول شماره (1) میزان پرداختن هر نظریه پرداز به مؤلفه‌های امنیت از امتیاز یک تا پنج با توجه به اصول مطروحه مشخص شده است.

جدول شماره (1). بررسی نظریه‌های اندیشمندان در رابطه با مؤلفه‌های امنیت

سال - نظریه پرداز	نظریه	حضور مردم	اصلاح کالبدی	احساس امنیت و فرهنگ
1950 - لوییس مامفورد	ایجاد حس مکان، مقیاس انسانی، تفکیک حرکت پیاده و سواره و اولویت حرکت پیاده بر سواره، تنوع و اختلاط کاربری‌ها	3	1	2
1960 - جین جیکوبز (نظریه سلامت روان)	نیاز به خیابان‌های امن در شهر، جداسازی و تشخیص مکان‌های عمومی و خصوصی نوع کاربری و اختلاط آن‌ها در کنار فروشگاه‌ها و مکان‌های عمومی در سطح شهر استفاده مؤثر و بازدارنده از حضور عابران پیاده در مناطق شهری برای کاهش احتمال وقوع جرائم، استفاده از هنر در فضای شهری، عدم جداسازی پیاده و سواره	4	2	3
1970 - رأی جفری	کاهش پتانسیل طبیعی جرم‌خیزی مناطق شهری، شهروندان باید ببینند و دیده شوند (نظارت عمومی)، شفافیت و در معرض دید قرار گرفتن فضاهای عمومی، اشتیاق مردم به گزارش و برخورد با مختلفان و جرائم	4	3	1
1973 - اسکار نیومن (نظریه فضای قابل دفاع)	ایجاد همسایگی‌های زنده، ایجاد قلمرو، سیمای ساختمان، مجاورت مسکونی با دیگر تسهیلات نظارت عمومی بر فضاهای شهری، حذف راه‌های فرار مجرمان در فضای شهری	4	3	1
1980 - ویلسون و کیلینگ (نظریه پنجره‌های شکسته)	حذف نابسامانی طراحی محیط مصنوع، اصلاح قوانین و استانداردهای طراحی شهری و معماری، ایجاد موانع طبیعی و بازدارنده‌های موقعیتی در کاهش فرصت‌دهی برای تجاوزها و جرائم شهری	1	3	2
1993 - هیلیر و همکاران (نظریه ترکیب فضا)	نظارت همسایگان در طول یک مسیر، تعریف قلمرو خصوصی و عمومی، افزایش نمای رو به خیابان	3	2	1
1992 - کلارک (نظریه مکان منطقی)	افزایش تلاش قابل ملاحظه در برابر جرم، افزایش خطر قابل درک در برابر جرم، کاهش کسب منفعت بر اثر جرم، برطرف نمودن دستاویزهای اعمال جرم	3	0	2
1995 - وکرل و وایتزمن	آگاهی از محیط، قابلیت مشاهده توسط دیگران، دسترسی سهل به کمک در صورت نیاز	3	2	3
1998 - فرانسیس	توجه به مقیاس انسانی در تمامی اجزاء شهری	2	0	3

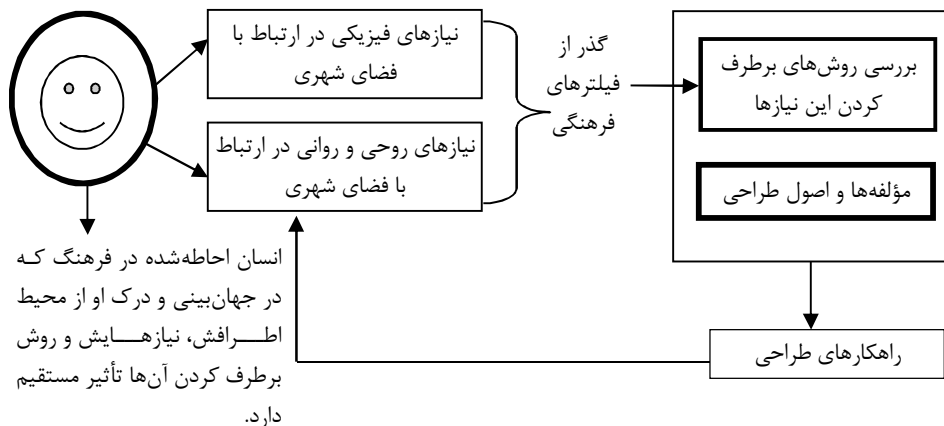
سال - نظریه پرداز	نظریه	حضور مردم	اصلاح کالبدی	احساس امنیت و فرهنگ
تیبالدز				
1992 - آندره دوآنی پیتر کنز	کاربری مختلط، بازگشت به ساختار محله‌های سنتی، طراحی شهری با کیفیت	1	3	3
CPTED (نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط)	کیفیت مسکن و کاربری زمین، سازمان فضایی و نفوذپذیری، دسترسی، اندازه فضا، آسایش بصری و محیطی، فرم فضا	4	3	2
2001 - لزلینکا دین برنان	طراحی فضاهای عمومی در جهت گسترش ادراکات ایمنی و کاهش جرم و ترس از جرم	3	2	1
2004 - پترلا	اجرای قانون، گروه‌های پرخطر و پیشگیری اجتماعی، برنامه‌ریزی و مدیریت فیزیکی	3	0	0
1998 - تیسدل و اک	شیوه ایجاد قلعه و محصوریت، شیوه نظارت پلیس، شیوه مدیریتی، شیوه نمایشی یا حضور مردم	3	2	1

با توجه به تعاریف امنیت و نظریه‌های اندیشمندان شهری، امنیت در فضای شهری برای استفاده‌کنندگان در برابر دو مقوله بسیار مهم معنی می‌یابد: اول ترس از وقوع جرم و یا رفتارهای آسیب‌زننده و دوم ترس روانی استفاده‌کننده از فضا به علت گم‌شدن در فضا و عدم تسلط بر آن؛ ضعف در مقابل مردم و کالبد فضا به آن‌ها احساس ترس را القاء می‌کند. برای از بین بردن این ترس باید امکان وقوع جرم را به صفر رسانده و از طرفی کالبد فضای شهری به گونه‌ای تعریف شود تا برای استفاده‌کننده کاملاً آشنا و قابل‌درک باشد؛ اما آنچه در غالب نظریه‌های اندیشمندان به بُعد دوم این مسئله به صورت مستقیم توجه نشده است، به‌عنوان زیر معیار برای حضور مردم در فضای شهری در نظر گرفته می‌شود و از پرداختن به مسائل فرهنگی به‌عنوان عنصر بنیادی در بحث امنیت خودداری می‌شود. بر همین اساس مؤلفه‌های امنیت در فضای شهری را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد (شکل شماره 3).



شکل شماره (3). مؤلفه های سازنده امنیت فضای شهری.

الف) حضور فعال مردم در فضای شهری به طوری که در مقابل رفتارهای نابهنجار و وقوع جرم عکس العمل نشان داده و از وقوع آن ممانعت کنند و به عنوان عامل پیشگیرانه از حضور مجرمان در فضا عمل کنند. برای ترغیب مردم برای حضور در فضا باید فضای شهری دارای کیفیت مطلوبی باشد و پاسخگوی نیازهای استفاده کنندگان باشد، برای تبیین نقش فرهنگ لازم است جایگاه فرهنگ در نیازهای استفاده کنندگان از فضا مشخص شود (شکل شماره 4).



شکل شماره (4). نقش فرهنگ در درک انسان.

ب) ایجاد حس امنیت روانی در استفاده‌کنندگان از فضا (امنیت کالبدی مرتبط با محیط ساخته‌شده) در نظر گرفتن تمهیداتی در فضا و طراحی آن تا احساس امنیت در آن‌ها القاء شود؛ به عبارتی امکان ارتباط با فضا برای استفاده‌کننده از فضا به طوری که برایشان آشنا باشد و با حضور در آن احساس راحتی و آرامش داشته باشند. هنگامی فرد می‌تواند شناخت و تسلط ذهنی بر فضایی داشته باشد که بتواند ذهنیت به‌جامانده آن عینیت و فضا را جزئی از وجود خود بداند و به معنای نمادین فرهنگی - اجتماعی آن واقف شود. در چنین فضایی شخص مطمئن‌تر و آرام‌تر حرکت می‌کند، چون شناخت و تسلط ذهنی بر فضا نه تنها نیروی زیادی را برای ادراک طلب نمی‌کند، بلکه آسودگی خاطر و در نتیجه احساس امنیت را به دنبال دارد؛ از طرفی ادراک هر فضا و فرآیند انطباق آن تنها برگرفته از دریافت‌های ادراکی ما نبوده بلکه منتج از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز می‌باشد.

ج) اصلاح کالبدی فضا برای از بین بردن نقاط جرم‌خیز (امنیت استفاده‌کنندگان از فضا در برابر وقوع جرم) طراحی کالبدی در راستای از بین بردن مکان‌های تاریک، مخروبه، پنهان که فرصت ارتکاب جرم را در اختیار مجرمان قرار می‌دهد. باید توجه کرد که تعریف فضاهای شهری پنهان در هر فرهنگی متفاوت است.

با بررسی و مطالعه نظرهای اندیشمندان در مورد ویژگی‌های فضاهای شهری خوب و با کیفیت، معیارهای زیر برای سه مؤلفه امنیت در ادامه ارائه می‌شود (شکل شماره 5). همان‌طور که مشاهده می‌شود مؤلفه‌های فرهنگ در تمامی ابعاد امنیت فضای شهری مانند کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به‌عنوان بستر ساز این اصول حضور دارند.



شکل شماره 5). مؤلفه‌های و زیر مؤلفه‌های ایجاد امنیت در فضای شهری.

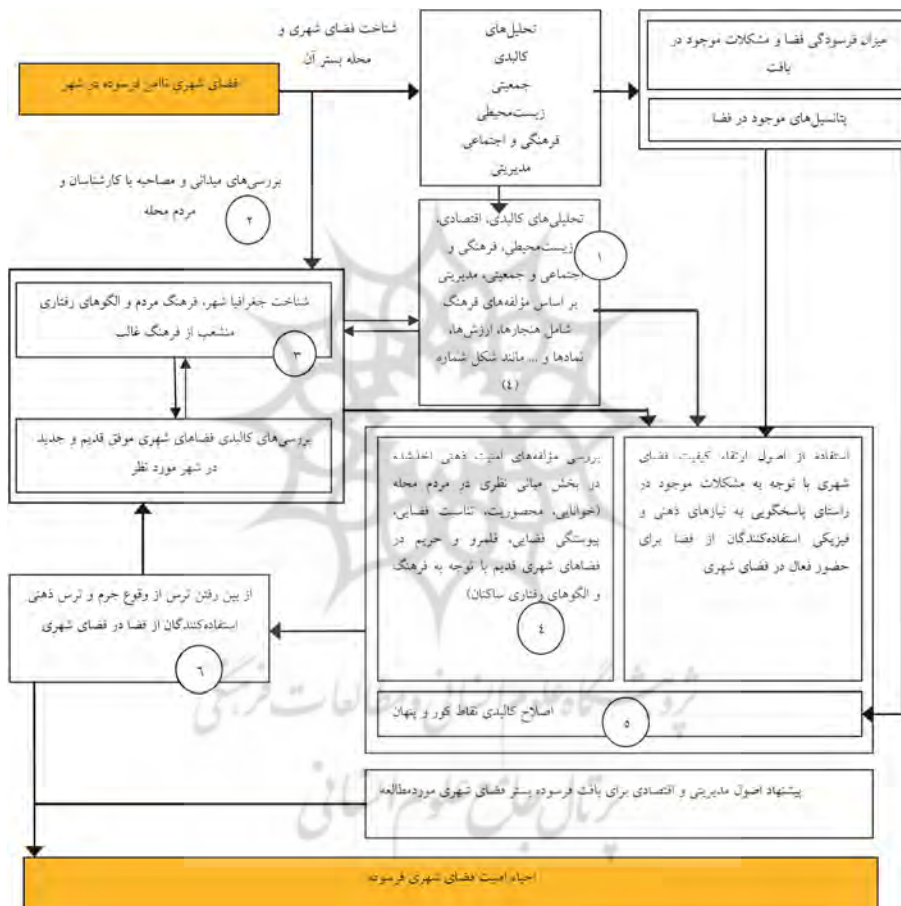
بر اساس مؤلفه‌ها و اصول مستخرج از نظرهای اندیشمندان (شکل شماره 5) و ترکیب آن با مؤلفه‌های فرهنگ (ارزش‌ها، عقاید، صنایع‌دستی، هنجارها، نمادها) محله موردبررسی، می‌توان راهکارهای اجرایی ایجاد امنیت در هر محدوده‌ای را مشخص کرد (شکل شماره 6). در این مدل تمامی اصول منتج از مؤلفه‌های امنیت تحلیل شده و با تلفیق اطلاعات دیگر مانند مدیریتی و اقتصادی، ... و جایگذاری اطلاعات در مدل

مفهومی احیاء امنیت فضاهای شهری بافت فرسوده و از آنجا به طرح جامع فضای شهری امن با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی دست‌یافته‌ایم (شکل شماره 7).



شکل شماره (6). نمونه فرآیند ترکیب اصول مربوط به مؤلفه‌های امنیت با مؤلفه‌های فرهنگی بافت فرسوده فرزان شهر بیرجند.

لازم به ذکر است که بافت‌های فرسوده فضاهایی هستند که به لحاظ کالبدی و فعالیتی دچار افول شده‌اند و حضور ساکنان در آن بسیار کم‌رنگ و طبق معمول پراکندگی فضاهای مخروبه در آن زیاد است و به‌عنوان ناامن‌ترین فضاهای شهری شناخته می‌شوند. بر اساس مطالعات نظری و میدانی احیاء امنیت با توجه به مؤلفه‌های مطرح شده، نقش مسائل فرهنگی کاملاً روشن است و در این راستا مدل مفهومی زیر در جهت احیاء امنیت فضاهای شهری فرسوده ارائه می‌شود.



شکل شماره (7). مدل احیاء امنیت فضای شهری فرسوده.

بر اساس پرسشنامه تهیه شده از ساکنان و مشاهدات میدانی، سنجش وضعیت محله فرزانه در جدول سوات (جدول شماره 2) آمده است؛ و بر طبق این داده‌ها درصد بالای مهاجران در محله، نرخ بالای بیکاری، وجود بناهای مخروبه، نبود روشنایی از مهم‌ترین مشکلات موجود در این بافت هستند.

طبق بررسی‌های انجام شده از مراحل انجام مطالعات طرح تفصیلی بافت فرسوده محله فرزانه شهر بیرجند مشاهده شد، در نوسازی بافت فرسوده امنیت به‌عنوان راهی برای نوسازی بافت در نظر گرفته نشده است و مراحل شماره (1، 2، 3، 4، 5، 6) از نمودار احیاء امنیت (شکل شماره 7) حذف شده است و در نتیجه، چرخه امنیت فضای شهری به‌عنوان اولین قدم برای رونق محله، افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری از خارج و داخل محله و ایجاد انگیزه برای نوسازی برای ساکنان، بی‌فرجام مانده است. با توجه به فراوانی اصول امنیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و ... در راستای مشخص شدن نقش فرهنگ در احیاء امنیت در فضاهای شهری فرسوده، پرسشنامه‌ای با مصاحبه با کارشناسان بومی تدوین شد. (جدول شماره 3) و بین (340) نفر از ساکنان توزیع شد و بعد از تحلیل دودویی (AHP) و استفاده از نرم‌افزار Expert choice نتایج نهایی استخراج شد.

جدول شماره (2). معیار و زیرمعیارهای تبیین نقش فرهنگ در احیاء امنیت فضاهای شهری فرسوده

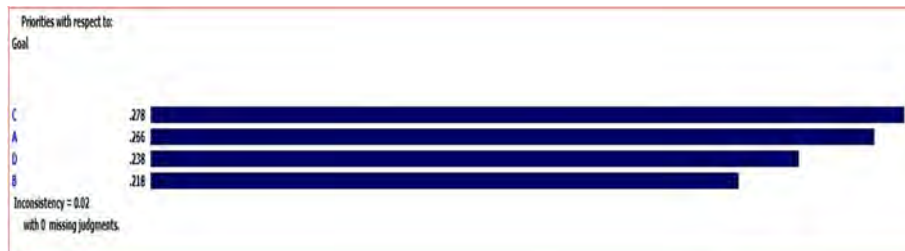
معیارها	زیرمعیارها
	-دسترسی به مسکن استاندارد و مناسب (A1)؛
	-بعد اقتصادی -اشتغال مناسب (A2)؛
	-امنیت (A) -میزان مناسب مالکیت خانه (A3)؛
	-توانمندسازی و حمایت از خانواده‌های بد سرپرست و دارای سرپرست مادر کارگر (A4).
	-تراکم مناسب جمعیت (B1)؛
بعد جمعیتی -	-جمعیت پایین مردان مجرد (B2)؛
اجتماعی	-کنترل و نظارت بر نقاط گردشگری و تفریحی و پرازدحام (B3)؛
امنیت (B)	-دسترسی به خدمات عمومی (B4).
	-زیبایی‌شناختی استفاده از نوع مصالح و شیوه ساخت طبق نشانه‌های هویتی جامعه (گنبد و...)
	بعد فرهنگی (C1)؛
امنیت (C)	- خلق مکان‌هایی به‌عنوان زبان ناطق هویت انسان و منظر شهری مطلوب (C2)؛
	-جلوگیری از قرارگیری خرده‌فرهنگ‌های متفاوت و متعارض در کنار هم (C3)؛
	-جهت‌گیری مناسب ساختمان (C4)؛

معیارها	زیرمعیارها
	- آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای (C5)؛ - دسترسی به ابزارهای معرفتی و اطلاعاتی، آموزشی و ارتباطات جمعی (C6)؛ - ترغیب شهروندی، جلب مشارکت‌های مردمی و خلق فرهنگ مشارکت (C7)؛ - تحقق عدالت اجتماعی (C8)؛ - رعایت سلسله‌مراتب طراحی فضاها با توجه به فرهنگ جامعه (C9)؛ - رعایت پاکیزگی و نظافت در فضای شهری (C10)؛ - هویت تصویری بناها و چشم‌اندازها، جلوگیری از بلندمرتبه‌سازی‌های بی‌قاعده و ناهمگون با بافت تاریخی و قدیمی شهر (C11)؛ - افزایش هویت اجتماعی و همگونی جمعیت (C12)؛ - استفاده از رنگ‌های مناسب در فضا و توجه به نقش نمادی رنگ‌ها در فرهنگ‌های مختلف و افزایش خوانایی و حس تعلق در فضا (C13)؛ - کاهش تعارضات هویتی جامعه و رفع تبعیض (C14).
	- طراحی مناسب و هدفمند فضای شهری و جلوگیری از طراحی نقاط کور فضایی (D1)؛ - نبود کمینگاه و مکان‌های پنهان برای اختفا (D2)؛ - روشنایی مناسب فضا (D3)؛ - طراحی چگونگی قرارگیری ساختمان‌ها و فضاهای فعالیتی نسبت به فضاهای جرم‌خیز (D4)؛ - خوانایی و نفوذپذیری فضا و جلوگیری از ایجاد بن بست‌ها (D5)؛ - اندازه فضا، رعایت مقیاس انسانی و جلوگیری از ایجاد فضاهای بی‌کران و خالی (D6)؛ - کاربری مختلط زمین (D7)؛ - جلوگیری از اغتشاش بصری در شکل و کالبد شهر و در نتیجه ایجاد اغتشاش و افزایش خشونت‌های شهری (D8)؛ - دسترسی به حمل‌ونقل عمومی (D9)؛ - رعایت استانداردهای میلمان شهری مانند چراغ‌های روشنایی و تابلوهای شهری (D10)؛ - اختصاص محوریت طراحی فضا به سواره‌ها و خودروها و نه پیاده‌ها (D11)؛ - جلوگیری از افزایش بناهای فرسوده و محل وقوع جرم (D12).

بعد کالبدی-
فضایی
امنیت (D)

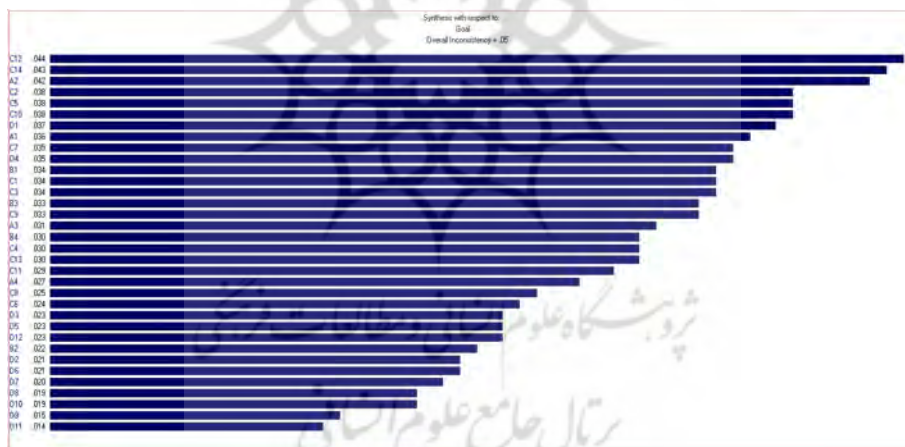
بر اساس تحلیل دودویی و با وارد کردن مقادیر ارجحیت زیرمعیارها، وزن نهایی آن‌ها را نرم‌افزار محاسبه می‌کند (نرخ ناسازگاری = 0/5)

میان معیارهای امنیت (جدول شماره 4)، معیار فرهنگی با عدد (0/278) با بیشترین میزان توجه ساکنان روبرو بوده است (شکل شماره 7). پس از آن با اختلاف کمی معیار اقتصادی با امتیاز (0/266) در مکان دوم اهمیت از نظر ساکنان قرار گرفت؛ بعد از آن نیز به ترتیب معیار کالبدی با عدد (0/238) و معیار اجتماعی (0/218) قرار گرفته‌اند (شکل شماره 7).



شکل شماره (7). امتیاز نهایی معیارها امنیت در احیاء امنیت فضاهای شهری.

در میان زیر معیارهای فرهنگی نیز زیر معیار افزایش هویت اجتماعی و همگونی جمعیت با عدد (0/44) از مهم‌ترین خواسته‌های ساکنان بود و زیر معیار کاهش تعارضات هویتی جامعه و رفع تبعیض با امتیاز (0/43) در اولویت دوم قرار گرفت؛ اشتغال مناسب با امتیاز (0/42)، فضاهای با هویت و مطلوب، آموزش و مهارت‌های حرفه‌ای پاکیزگی و نظافت در فضای شهری نیز با امتیاز (0/38) در رده‌های بعدی قرار دارند (شکل شماره 8). بر اساس داده‌های مذکور احیاء فضاهای شهری با هویت از نیازهای اولیه آن‌ها در رابطه با امنیت ذکر شده است.



شکل شماره (8). امتیاز نهایی زیر معیارهای امنیت در احیاء امنیت فضاهای شهری.

در پرسشنامه دوم نظر مردم در ابعاد مختلف کالبدی و اقتصادی به لحاظ فرهنگی و موارد فرهنگی اجتماعی مورد پرسش قرار گرفت و در محیط نرم‌افزار SPSS و با آزمون T بررسی شد. قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه‌ای به صورت طیف لیکرت طراحی شده و جواب‌های آن چندگزینه‌ای می‌باشند. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا باید

واریانس نمره‌های هر زیرمجموعه پرسش‌های پرسشنامه (زیر آزمون) و واریانس کل را محاسبه کرد. با توجه به آنکه پرسشنامه پیش‌رو (جدول شماره 4) بر اساس طیف لیکرت طراحی شده است؛ بنابراین با بهره‌مندی از ضریب آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفته و نتیجه آن عدد (0/8) شد؛ یعنی قابلیت اعتماد نسبتاً خوبی به پرسشنامه می‌باشد. آزمون T به بررسی معناداری اختلاف پاسخ‌ها با مقدار میانگین (مقدار متوسط در طیف لیکرت) پرداخته است. این آزمون نشان می‌دهد که اختلاف پاسخ‌ها و مقدار میانگین معنادار بوده است که اکثر آن‌ها پایین‌تر از حد میانگین استاندارد بوده‌اند (جدول شماره 5)؛ این بدان معنا است که بی‌توجهی به معیارهای فرهنگی تأمین امنیت در فضاهای شهری این محله را ناممکن ساخته است. بر اساس جدول زیر پایین‌ترین امتیازها به بی‌توجهی استقرار نوع کاربری‌ها در روند نوسازی (با امتیاز $-32/98$)، کمبود زیرساخت‌های فرهنگی (با امتیاز $-32/715$)، عدم توانمندی ساکنان به نوسازی و مشارکت پایین آن‌ها (با امتیاز $-28/25$) در این روند اشاره دارد. ساکنان از شرایط معابر دسترسی در محله خود بسیار ناراضی هستند (با امتیاز $-28/71$). مطابق این داده‌ها روند نوسازی متوقف شده است و مشارکت ساکنان بسیار پایین است و اصول مربوط به ایجاد امنیت در فضای شهری تحقق نیذیرفته است.

جدول شماره (3). نظرسنجی از ساکنان درباره روند نوسازی و مشکلات آن در ابعاد مختلف فرهنگی

1- آیا پس از اجرای طرح پیشین، هم‌اکنون قادر به باز 10- آیا از زیرساخت‌های شهری در محله خود راضی هستید؟ زنده‌سازی محله و بازسازی منزل مسکونی خود هستید؟
2- آیا پس از اجرای طرح پیشین، از سطح رفاه اقتصادی خود 11- آیا پس از اجرای طرح، ایمنی شما در محله افزایش یافته راضی هستید؟ است؟
3- میزان تمایل شما پس از اجرای طرح، به مشارکت در امور 12- آیا ساختار سنتی محله‌ها حفظ شده است؟ محله چقدر تغییر کرده است؟
4- آیا زیرساخت‌های متناسب با فرهنگ شهر و محله پس از 13- آیا خوانایی محله افزایش یافته است؟ اجرای طرح در محله ایجاد شده است؟
5- آیا از میزان امنیت محله در روز راضی هستید؟ 14- آیا از کیفیت مسکن خود راضی هستید؟
6- آیا از میزان امنیت محله در شب راضی هستید؟ 15- آیا فرآیند باز زنده‌سازی منجر به ایجاد فضاهایی با اختلاط کاربری شده است؟
7- آیا پس از باز زنده‌سازی بر میزان حس تعلق شما به محله 16- آیا کیفیت محله به لحاظ نمادی، دیداری، رنگ و محیط افزوده شده است؟ ارتقاء یافته است؟
8- آیا باز زنده‌سازی محله باعث ایجاد فضاهای جمعی و 17- آیا کاربری‌های جدید و جاذب به محله اضافه شده است؟ شبکه‌های اجتماعی شده است؟
9- آیا پس از اجرای طرح، از تأمین دسترسی‌ها در محله 18- آیا بهبودی در وضعیت مخروبه‌ها و جمع‌آوری زباله‌های راضی هستید؟ اطراف آن‌ها حاصل شده است؟

جدول شماره (4). آزمون T برای پرسشنامه شماره (2)

ردیف	t	df	-2(, sig tailed)	mean difference	% confidence 95 interval of the difference	
					upper	lower
1	28/162-	276	0	0/1398-	0/64	0/155
2	-22/824	276	0	0/4742	0/3809	0/676
3	-28/259	276	0	0/6-	0/517-	0/382-
4	-32/715	276	0	0/61-	0/515-	0/306
5	16/912	276	0	0/684	0/605	0/764
6	23/989	276	0	0/267-	0/554-	0/022-
7	17/654	276	0	0/426	0/347	0/735
8	21/686	276	0	0/622-	1/392-	1/598-
9	-28/714	276	0	0/544-	1/597-	0/634-
10	23/64	276	0	0/139	0/072	1/211
11	-18/453	276	0	0/474-	0/342-	0/021-
12	18/315-	276	0	0/6-	0/523-	0/242-
13	31/598-	276	0	0/61-	0/577-	0/501-
14	-19/169	276	0	0/684	0/723-	0/664-
15	-32/98	276	0	0/267-	0/554-	0/533-
16	24/276-	276	0	0/426-	1/212-	0/721-
17	26/699-	276	0	0/622-	1/327-	1/093-
18	28/113-	276	0	0/544-	0/782-	0/512-

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی نتایج پژوهش بیانگر این واقعیت است که رابطه معناداری بین فرهنگ و احیاء امنیت در فضای شهری وجود دارد و می‌توان نتیجه گرفت احیاء امنیت در بافت فرسوده فرزانه وابسته به میزان توجه به مؤلفه‌های فرهنگ در این فضای شهری است. علت اصلی عدم تمایل ساکنان محله فرزانه برای نوسازی، مدنظر قرار ندادن مؤلفه‌های فرهنگی و بی‌توجهی به ایجاد امنیت در فضای شهری است.

در بافت فرسوده فرزانه شهر بیرجند، بر اساس نظرهای ساکنان، در راستای ایجاد امنیت، معیارهای فرهنگی در اولویت اول اهمیت قرار دارند و در زیر معیارهای فرهنگی

نیز ارتقاء سطح فرهنگی بخشی از ساکنان (اغلب مهاجران) و هم‌سطح‌سازی فرهنگی آن‌ها با یکدیگر و شهروندان بخش‌های دیگر شهر، باعث ایجاد احساس امنیت در ساکنان برای حضور در فضای شهری می‌شود. حدود (20) درصد از ساکنان محله فرزنان را مهاجران با سطح سواد و درآمدی پایین تشکیل می‌دهند؛ علاوه بر آن نیز حضور معنادار ساکن در این محله نیز باعث القاء احساس ناامنی در استفاده‌کنندگان از فضا می‌شود.

زیر مقیاس شماره (2) که با امتیاز (0/043) در صدر خواسته‌های شهروندان بافت فرسوده برای ایجاد امنیت قرار می‌گیرد، با عنوان رفع تبعیض در دو سطح مطرح می‌شود؛ اول تبعیض در مقایسه با محله‌های دیگر شهر در تأمین تأسیسات زیر بنایی، امکانات، مبلمان شهری، فضاهای سبز، رسیدگی به معابر و ... و دوم بی‌توجهی به فضاهای شهری موجود، تداخل سواره و پیاده، نبود مبلمان مناسب، اختلاف ارتفاع‌های شدید در فضاها و معابر که حضور اقشار آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان، سالمندان و معلولان را غیرممکن می‌سازد. با توجه به اینکه غالب بافت‌های فرسوده در اثر بی‌توجهی و عدم رسیدگی دچار فرسودگی در کالبد و متعاقب آن فرسودگی فعالیت شده‌اند. در هر دو سطح از این تبعیض رنج می‌برند. استقرار شهر بیرجند در کنار مرز و مجاورت با استان‌های محروم مانند سیستان و بلوچستان و از طرفی خشک‌سالی برای دوره بیست سال اخیر باعث وجود مهاجرت‌های از روستاهای خشک اطراف و مهاجرت‌های خارج استانی است که غالب آن‌ها در شرایط مالی نامناسبی هستند و مقصد آن‌ها بافت‌های فرسوده با قیمت پایین اجاره‌بها و مسکن است؛ بنابراین شناخت فرهنگ در مؤلفه‌های مختلف شهر و محدوده بافت فرسوده و ارتقاء سطح فرهنگی مهاجران به سطح فرهنگی شهر از خواسته‌های اصلی ساکنان در جهت برقراری امنیت در فضای شهری است. بافت‌های فرسوده اغلب مقصد مهاجران و اقشار کم‌درآمد هستند و طراحی فضاهای شهری با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی در تمام ابعاد آن و تلفیق این فضاها با کاربری‌های مذهبی و آموزشی برای آشنایی با فرهنگ موجود به صورت مستقیم و غیرمستقیم ساکنان الزامی می‌باشد تا بتوان تعارضات هویتی را به حداقل رساند.

بخش دیگر زیر معیار شماره (2)، اشاره به هویت جامعه دارد که بافت‌های فرسوده به علت فرسودگی کالبدی و از بین رفتن روح فضا فاقد هویت هستند. وجود مخروطه‌ها، ساخت‌وسازهای بی‌هویت و بدون در نظر گرفتن فرهنگ و پیشینه تاریخی، تخریب

فضاهای تاریخی به‌عنوان یکی از عناصر هویت‌ساز و ... باعث از بین رفتن هویت محله‌های قدیمی شهر و تبدیل آن‌ها به بافت‌های فرسوده شده است. احیاء هویت فضاهای شهری از طریق بازگرداندن مؤلفه‌های فرهنگی در تمام ابعاد فضاهای شهری به ایجاد هویت محله، میسر می‌شود.

معیار سوم در راستای ایجاد امنیت از دیدگاه ساکنان محله ایجاد اشتغال برای آن‌ها است. بافت‌های فرسوده به دلیل ناامنی، وجود مخروبه‌ها و قشر ساکن کم‌درآمد، محیط بسیار مستعدی برای حضور بزهکاران و وقوع جرم می‌باشد و در صورت عدم توانمندسازی ساکنان، بستری برای همکاری ساکنان کم‌درآمد در وقوع بزهکاری برای کسب درآمد، مهیا می‌شود؛ بنابراین ایجاد شغل‌هایی با ریشه محلی که ساکنان با آن آشنایی دارند مانند صنایع دستی، محصولات محلی، ایجاد بازارچه‌های محلی و دیگر مشاغلی که در نوسازی بافت نیز بتوان از آن‌ها کمک گرفت، می‌تواند امنیت محله را افزایش دهد.

معیار چهارم در اولویت نظرسنجی ساکنان در ارتقاء امنیت فضاهای شهری، ایجاد فضاهایی است که بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و از دیدگاه آن‌ها زیبا باشد. فضایی مبتنی بر فرهنگ و برگرفته از پیشینه تاریخی و با توجه به خاطرات مشترک ساکنان با رعایت اصول زیباشناسی که برای استفاده‌کننده از فضا آشنا بوده و احساس این همانی را به او القاء و در نتیجه او را ترغیب به حضور در فضا کند. معیار پنجم از اولویت خواسته‌های فرهنگی ساکنان مربوط به آموزش‌های فرهنگی و مهارتی به ساکنان است تا به ارتقاء آگاهی و فرهنگی جمعی در راستای توانمندسازی آن‌ها کمک کند.

پیشنهاد‌های پژوهش

طبق پنج اولویت ایجاد امنیت در فضاهای شهری در بافت فرسوده و بر اساس نظرسنجی از ساکنان بافت فرسوده و یکسان بودن شرایط بافت‌های فرسوده در ناامنی، وجود فضاهای مخروبه، اسکان اقشار کم‌درآمد، وجود اقشار مهاجر، نابسامانی منظر و نماهای شهری، کمبود تأسیسات و امکانات، رعایت این موارد به‌عنوان اولویت‌های فرهنگی اجرایی در بافت‌های فرسوده در راستای ایجاد امنیت در آن‌ها پیشنهادهایی زیر مطرح می‌شود که با توجه به فرهنگ هر محله راهکارهای اجرایی آن متفاوت خواهد

بود. الزام تحقق این پنج معیار فرهنگی، اجرایی شدن سه مؤلفه امنیت (ایجاد احساس امنیت روانی، حضور فعال مردم در فضای شهری، اصلاح کالبدی فضا) در قالب مدل ارائه شده (شکل شماره 6) می باشد.

- افزایش هویت و ایجاد هم‌هنگی فرهنگی؛
- رفع تبعیض در این بافت‌ها و کاهش تعارضات هویتی؛
- ایجاد اشتغال مناسب؛
- خلق فضاهای شهری با هویت و منظر شهری مطلوب؛
- آموزش‌های فرهنگی و مهارت‌های حرفه‌ای در راستای اشتغال‌زایی و مشارکت در نوسازی بافت.



منابع

- ادیبی سعدی‌نژاد، فاطمه؛ عظیمی، آزاده (1390). تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی مورد مطالعه شهر بابلسر. آمایش محیط، سال (4)، شماره (15)، ص: (105-81).
- آشوری، داریوش (1394). دانشنامه سیاسی. تهران: مروارید.
- تیبالدز، فرانسیس (1387). شهرسازی شهروند گرا، ترجمه محمد احمدی‌نژاد. تهران: نشر خاک.
- رجب‌زاده، احمد (1377). درآمدی بر مفهوم فرهنگ عمومی. فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره (7).
- رضایی، جمال (1381). بیرجندنامه. تهران: نشر چشمه.
- صالحی، اسماعیل (1387). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی و معماری.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد (1393). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی (ارشاد، فرهنگ). تهران: نشر نی.
- کالن، گوردون (1382). گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان. تهران: دانشگاه تهران.
- کامران، حسن؛ برآبادی، علی (1389). بررسی امنیت در شهرهای مرزی، مورد مطالعه شهر تایباد. جغرافیا، سال (8)، شماره (25)، ص: (46-25).
- لطفی، صدیقه؛ بردی‌آنا مرادنژاد، رحیم؛ ساسانی‌پور، محمد (1393). بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی، مورد مطالعه کلان‌شهر شیراز. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال (5)، شماره (19)، ص: (56-39).
- ماجدی، حمید؛ منصور، الهام؛ حاجی احمدی، آذین (1390). بازتعریف فضای شهری، مورد مطالعه: محور ولیعصر حدفاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر. مدیریت شهری، سال (9)، شماره (27)، ص: (283-263).
- مدنی‌پور، علی (1384). طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- نقی‌زاده، محمد (1386). ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی. اصفهان: سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری اصفهان.
- نویدنی، منیژه (1382). گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی. مطالعات امنیت اجتماعی، سال (2)، شماره (5)، ص: (63-44).
- نیومن، اسکار (1387). خلق فضاهای قابل دفاع، ترجمه فائزه رواقی. تهران: طحان.

- همایون، محمدهادی؛ جعفری هفتخوانی، نادر (1378). درآمدی بر مفهوم و روش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی، درس‌هایی برای سیاست‌گذاران. اندیشه مدیریت، سال (2)، شماره (2)، ص: (35-5).
- Cozens, P. (2008), Urban sustainability and crime prevention through environmental design (CPTED) in Western Australia, *International journal of sustainable development and planning*, 3, 272-292.
- Hillier, B., Penn, A., Hanson, J., Grajewski, T., Xu, J. (1993), *Natural Movement, Environment and Planning, B: Planning and Design*, 20, 29-66.
- Jacobs, J. (1961), *The Life and Death of Great American Cities*, New York: Random House.
- Petrella, L. (2004), *Urban Space and Security Policies: Between Inclusion and Privitilization*, UN Habitat, World Urban Forum, Barcelona, Spain, www.unhabitat.org/programmes/safercities/WUF_UrbanSpace.asp.
- Robinson, M. B. (1996), the theoretical development of CPTED: 25 years of responses to C. Ray Jeffery, *Advances in Criminological Theory*, 8, 427-462.
- Tibbalds, F. (1998), *Ten Commandments of Urban Design*, the Planner, 74, 1.
- Tiesdell, S., & Oc, T. (1998), *Towards a safer urban public realm*, *Environment & Planning B: planning and design*, 25(5), 639-655.
- Wekerle, M., & Whitzman, R. (1995), *Safe Cities: Guidelines for Planning, Design and Management*, USA, NY: Van Nastran Reinhold.
- Wilson, J. Q., & Kelling, G. L. (1982), *Broken Windows*, the Atlantic Monthly, 249 (3), 134-144.